

فصل سوم:

جذب، آموزش و تبلیغات

□ روند توسعه سازمان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نیروهای کم‌شمار تشکیلاتی سازمان، که عمدتاً زندانیان آزاد شده بودند، به طور فعال وارد صحنه سیاسی کشور شدند و جذب نیرو و سازماندهی را آغاز کردند. به علت وضعیت خاص جامعه و جو انقلابی موجود، با توجه به مواضعی که سازمان اتخاذ می‌کرد و به دلیل تجربه تلخ سال ۵۴ و وجود «التقاط» در ایدئولوژی و اندیشه سازمان، بدبینی و بی‌اعتمادی رو به افزایشی نسبت به سازمان در جامعه وجود داشت. در نخستین مرحله جذب، نیروهای دانشجو و دانش‌آموز که پرشور اما نامطلع از تاریخچه سازمان بودند، در صدر دیگر اقشار قرار داشتند. در سه - چهار ماه نخست انقلاب، جذب این نیروها به کندی صورت می‌گرفت؛ ولی، با گسترش فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی و مطبوعات و تغییرات پرشتاب در فضای فرهنگی اجتماعی کشور، روند توسعه سازمان و جذب نیروها نیز سرعت گرفت. این روند را، با نگاه به نیروهای مختلف، می‌توان بدین گونه بررسی کرد و پی گرفت:

الف) روند افزایش نیروهای برون تشکیلاتی (سمپات‌ها، هواداران و...؛ محتوای کار سازمان، در نخستین مراحل، به ترتیب اولویت، عبارت بود از:

- تبلیغات

- جذب

- سازماندهی و فعال کردن نیروها در جهت اهداف سازمان.

محورها و اولویت‌های مذکور، دقیقاً به وضعیتی که سازمان به لحاظ اجتماعی داشت، مربوط بود. بعد از سخنرانی تندروانه^۵ اسفند ۱۳۵۷ مسعود رجوی در اولین اجتماع عمومی سازمان پس از انقلاب در دانشگاه تهران،^۱ فضای دانشگاه‌ها نشانگر این واقعیت بود که نیروهای روشنفکر و دانشجوی «مسئله‌دار» شده‌اند و آمادگی پذیرش مواضع رادیکال زودهنگام را در شرایطی که هنوز از پیروزی انقلاب کمتر از دو هفته نمی‌گذشت، ندارند. برای نمونه، رجوی در سخنرانی یاد شده با تأکید بر درخواست «انحلال ارتش» و حمایت از تحرکات سیاسی و نظامی جدایی‌خواهانه «در کردستان» و دمکراتیک توصیف کردن درخواست‌های گروه‌های چپ‌گرای کرد، مجاهدین خلق را «انقلابیون پیش‌تاز» نامید که نباید هیچگونه محدودیت «سیاسی و نظامی» داشته باشند.^۲ اما برخی برآوردها نشان می‌داد که در آن مقطع زمانی، مجموع هواداران این رویکرد و مواضع سازمان، در میان دانشجویان دانشگاه تهران ۲۰ تا ۳۰ نفر بیشتر نبودند؛ بقیه دانشگاه‌ها نیز وضعی بهتر از دانشگاه تهران نداشتند. سازمان با درک چنین معضلی، به موازات کار تبلیغاتی وسیع در سطح جامعه، انرژی زیادی را برای حلّ مسائل ذهنی دانشجویان صرف کرد. ترتیب دادن سخنرانی‌های مسئولان رده یک سازمان در دانشگاه‌ها، در همین ارتباط برنامه‌ریزی شد و عمده‌ترین کار سازمان، در آن مقطع، تشکیل سخنرانی‌ها یا کلاس‌هایی در دانشگاه تربیت معلم توسط مهدی ابریشمچی در مورد تاریخچه سازمان، سخنرانی‌های متعدد و پیوسته مسعود رجوی و موسی خیابانی در مسجد یا زمین چمن دانشگاه تهران، با عناوینی چون حکومت علی(ع) و شعایر، و دیگر سخنرانی‌های پراکنده برخی از کادرهای مرکزی سازمان در مجامع مختلف دانشگاهی، بود.

سدّ جذب نیرو از اواسط تابستان سال ۱۳۵۸ شکسته شد. برای جذب نیروها، عمده‌ترین فعالیت کادرهای سازمان عبارت بود از تشکیل کلاس‌های سیاسی - عقیدتی و تشکیلاتی، برای حلّ مسائل ذهنی افراد جذب شده و آشنا ساختن آنان با دیدگاه‌های سازمان. این کلاس‌ها محدود ولی پیوسته بود. هم‌زمان با کارهای تئوریک، سازماندهی نیز انجام می‌شد و بدین ترتیب به تعداد افراد فعال تشکیلاتی افزوده می‌شد.

۱. روزنامه کیهان که در آن زمان توسط نیروهای چپ‌گرای غیرمذهبی اداره می‌شد، با تیتیر درشت در صفحه اول درباره این تجمع و سخنان رجوی، چنین نوشت: «هشدار مجاهدین خلق درباره نقایص انقلاب!»؛ روزنامه کیهان، ۶ اسفند ۱۳۵۷.

۲. روزنامه کیهان، ۵۷/۱۲/۶: ص ۳.

در روند جذب نیرو، اقشاری چون کارمندان، کارگران، بازاریان و کسبه محلات نیز مورد توجه ویژه‌ای قرار داشتند؛ ولی به خاطر کند بودن بیش از حد پروسه جذب، این اقشار (بخصوص کارگران و کاسب‌ها) در اولویت محسوب نمی‌شدند. بیشترین نیروی جذب شده، در ابتدا دانش‌آموزان بودند. بر طبق اسناد موجود، در اواسط سال ۱۳۵۹، حدود چهارهزار دانش‌آموز با شاخه‌های گوناگون سازمان ارتباط داشتند. (ب) روند افزایش نیروهای درون تشکیلاتی (نیروهای کادر، اعضا و...)؛ به موازات تلاش در جهت جذب نیروهای جدید، نفرت داخل نهادها (نیروهای درون تشکیلاتی) نیز افزایش می‌یافتند. افراد با سابقه یا کسانی که در جهت منافع سازمان و تطبیق خود با معیارهای تشکیلاتی تبعیت بیشتری از مرکزیت نشان می‌دادند، ارتقا می‌یافتند و رده بالاتری می‌گرفتند؛ و افراد جدیدی - که پیش از این، در روابط برون تشکیلاتی بودند - جای آنها را پر می‌کردند.

(ج) تغییرات ساختار سازماندهی و روابط تشکیلاتی؛ افزایش کادرها و جذب شده‌های سازمان، طبعاً روی شکل تشکیلات و بخصوص روابط درون تشکیلاتی تأثیرات خود را می‌گذاشت. به موازات افزایش نیروی انسانی و عناصر تشکیلاتی در سازمان، طول سازماندهی نیز افزایش یافت ولی گسترش عرضی سازمان - به نسبت رشد طولی آن - کمتر شد.^۱

□ شیوه‌های جذب و تبلیغ

سازمان در اسفند ماه سال ۵۷ در «پیام به داوطلبان عضویت در جنبش ملی مجاهدین» عنوان کرد که آنچه مهم است و در نزدیک شدن افراد به سازمان تعیین‌کننده است تلاش آنها در معرفی سازمان است:

آنچه برای ما مهم است و می‌تواند در نزدیک شدن روابط ما و شما حتی تعیین‌کننده باشد خودجوشی تو و معرفی خودت در جریان عمل و جنبش است. آنچه می‌توانیم به عنوان کلی‌ترین رهنمود بیان کنیم این است:

در محیط زندگی خودت - خواه دانشگاه، کارخانه، [یا در میان] مردم - تلاش کن معرف سازمان و اندیشه توحیدی آن باشی و بعد سازمان و روابط منظم بر سر پیاده شدن این اهداف را به

۱. شرح و تحلیل مجموعه...، ج ۳: ذیل عنوان «رشد تشکیلات». جمع‌بندی‌ها...: اظهارات اغلب فعالان «فاز سیاسی».

وجود آوری و بدین سان با گزارش مستمر خودت را به جنبش معرفی کن تا بهتر بتوانیم به یکدیگر نزدیک‌تر شویم؛ زیرا صداقت و خلوص انقلابی در جریان حرکت انقلابی و سازمان‌یافته‌تر می‌تواند بهترین معرف تو و ضامن عضویت در جنبش ملی مجاهدین باشد.^۱

سازمان در شرایطی که در صدد گزینش افرادی است که کمترین شناختی نسبت به مبانی عقیدتی سازمان ندارند، از این افراد می‌خواهد تمام تلاش خویش را در معرفی و تقویت سازمان صرف کنند. جنبه دیگر این مسئله شروطی است که سازمان برای پذیرفتن افراد به عنوان عضو مطرح می‌سازد و در واقع می‌خواهد بگوید که به سادگی نمی‌توان عضو سازمان شد، بلکه باید برای احراز چنین موقعیتی تلاش بیشتری کرد. این امر از جنبه روانی جاذبه‌هایی برای آن دسته از افراد و جوانانی داشت که می‌خواستند با وابستگی به گروهی خاص به خود هویت و شخصیت اجتماعی ببخشند.^۲

سازمان برای جذب هوادار، در حالی که از نظر سیاسی خود را وفادار به انقلاب اسلامی و امام خمینی معرفی می‌کرد، در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و مدنی به نحو چشمگیری سرمایه‌گذاری می‌کرد. یکی از اهداف اصلی این گونه اقدامات نمایاندن چهره‌هایی از سازمان است که برای جوانان جاذبه‌های فطری دارد. سازمان با فرستادن دختران و پسران هوادار برای تخلیه لجن و فاضلاب گودها یا با فرستادن آنها به اردوهای سازندگی در روستاها و... ضمن آنکه تظاهراتی مردمی را در عمل از خویش نشان می‌داد، با تشکیل کلاس‌هایی در اردوهای فوق یا در جوار سایر کارهای اجتماعی، ایدئولوژی خود را به همراه رفتارهای متفاوت (روابط دوستانه دختران و پسران، هویت مردانه دادن به دختران و...) به هواداران ارائه می‌کرد. در همین روند، ضمن تشکیلاتی کردن آنان، تلاش می‌شد در مواجهه عینی با ابعاد محرومیت‌های موجود، روحیات و گرایش‌های آنان به سمتی که سازمان می‌خواهد جهت یابد.^۳

در ضمن این «اردوهای سازندگی» و انجام فعالیت‌های تبلیغاتی، سازمان آموزش‌های ایدئولوژیک خود را نیز دنبال می‌کرد و با این شیوه هواداران خود را بهتر می‌شناخت و آنها را غربال می‌کرد و کسانی را

۱. نشریه پیام خلق، ش ۲: ص ۲.

۲. محورهایی که در این بحث طرح شده، عمدتاً مربوط به قبل از رفتن سازمان به خارج از کشور است؛ چراکه پس از رفتن سازمان به فرانسه و سپس به عراق، از روند جذب نیرو به میزان فوق‌العاده‌ای کاهش یافت و نیز از زمان ورود به فاز نظامی، سازمان وضعیت دیگری پیدا می‌کرد.

۳. برای آگاهی از نمونه یک گزارش رتوش شده اردوی مجاهدین خلق با ادبیات احساسی و تبلیغی ← نشریه مجاهد، ش ۱: ص ۳.

که آموزش‌های اردو را درست نمی‌پذیرفتند، کنار می‌گذاشت و افراد مناسب را جدا می‌کرد تا از آنان در مراحل بعد استفاده کند.

در این میان مقالات تبلیغی متعددی در نشریات وابسته به سازمان و نشریه رسمی آن در خصوص واکنش‌های اهالی روستاها در برابر هواداران سازمان چاپ می‌شد که به چهره‌پردازی سازمان بسیار کمک می‌کرد:

روستاییان از ظلم فئودال‌ها، سرنیزه ژاندارم‌ها، نمایش اصلاحات ارضی و شبیخون سرمایه‌داری وابسته آموخته‌اند که به غریبه‌ها دیر اطمینان کنند. با این همه وقتی که از طریق عمل ما، ما را باور نمودند، شب‌ها به اصرار، مهمانمان می‌کردند.^۱

باشناسایی و مداوای مردم، آنها احساس نزدیکی خیلی زیادی را نسبت به این اقدامات از خود نشان دادند.... گویی یکباره تمامی سدهایی را که امپریالیسم و ارتجاع بین جوانان انقلابی و زحمتکشان کشیده بود فرو ریخت و در یکدیگر حل شدند.^۲

طرح رادیکال و اغراق‌آمیز مطالبات اقشار محروم اجتماع و دامن زدن به انتظارات غیرواقعی و خارج از ظرفیت نظام نوپای جمهوری اسلامی در اولین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، یکی از شیوه‌های اصلی سازمان در تبلیغات سیاسی و اجتماعی آن هنگام بود.^۳ در حالی که امام خمینی و سایر نیروهای انقلابی مسلمان نیز ضمن پیگیری مطالبات مردم و انتقاد به نارسایی‌ها و ناتوانی‌های دولت موقت، بر لزوم آرامش و تعامل سازنده برای حل مشکلات و اجتناب از تفرقه و تنش سیاسی اجتماعی پای می‌فشرده، رهبران سازمان در کنار سایر گروه‌های چپ‌گرا و غیرمذهبی با تبلیغات خویش آشکارا می‌کوشیدند فضای دو قطبی و رادیکالیزه علیه رهبری نظام را پدید آورند تا خود به عنوان نمایندگان واقعی مطالبات مردم شناخته و محسوب شوند.

آنچه این هدف سازمان را روشن می‌ساخت، یکی قرار گرفتن این شیوه در کنار سایر برنامه‌های

۱. نشریه مجاهد، ش ۱۳؛ ص ۴؛ از مقاله «اردوی سازندگی در میان مردمی اسپر فئودال‌های شهرنشین».

۲. همان، ش ۱۴؛ ص ۴؛ از مقاله «روستای سیتان محله».

۳. برای آگاهی از نمونه مطالب و مقالاتی با این رویکرد ← بازوی انقلاب، ش ۱۶؛ ص ۳. نشریه مجاهد، ویژه‌نامه ش ۱۵ انتخابات؛ ص ۳؛ سخنرانی رجوی در رشت. همان، ش ۱۹؛ ص ۴؛ مقاله «زمین از آن کسی است که آن را می‌کارد و نه فئودال زالو صفت». همان، ش ۵؛ ص ۳؛ مقاله «چرا با سرمایه‌داران خارجی سازشکارانه برخورد می‌شود؟ پیام انقلاب، وابستگی است؟» همان، ش ۱۱؛ ص ۳؛ مقاله «امپریالیسم به کارخانه کشیده می‌شود». همان، ش ۵۶؛ مقاله «تعیین حداقل دستمزد کارگران، بر اساس قانون کار آریامه‌ری».

اجتماعی - تبلیغی سازمان بود و دیگر اینکه سازمان از ابزارها و حتی عبارات شعاری تحریک‌کننده‌تر و احساس‌انگیزتری برای عنوان کردن انتقادات استفاده می‌کرد. در واقع سازمان در هر مرحله از تبلیغات خود، در انتخاب شیوه‌های تبلیغاتی از سایر گروه‌ها روانشناسانه‌تر عمل می‌کرد.

سازمان در تبلیغات خود با پرداخت حماسی و عاطفی و اغراق و بزرگ‌نمایی بر سوابق اعضای اولیه و برخی حوادث و وقایع مربوط به دوران مبارزات اعضای سابق، بسیار تأکید می‌کرد و بدین وسیله با تحریک شور و عاطفه و احساسات جوانان، به مرور عدهٔ زیادی را به سمت خود جذب می‌کرد:

راستی روزی که سازمان بنیانگذاری شد ما چه سرمایه‌ای داشتیم؟ محمد حنیف اغلب کارگری و عملگی می‌کرد تا هم با درد و رنج آنها آشنا شده و دید خودش را عمق ببخشد و هم اوایل پولی گیرش بیاید. اصغر [بدیع‌زادگان] یک پیراهن داشت؛ وقتی چرک می‌شد می‌شست و منتظر بود تا خشک شود. اصغر بعد از ۲ بار عمل جراحی روی ستون فقرات سوخته‌اش که فقط با دست و پا می‌توانست راه برود می‌گفت: «بچه‌ها بیاید ورزش کنیم»^۱

سازمان با چاپ و تکثیر وسیع زندگی‌نامه‌ها و مشروح شکنجه‌ها و مسائل زندان، صرفاً می‌خواست از آنها بهره‌برداری سیاسی کند و بدین وسیله به معرفی خود دست بزند. با توجه به اینکه بسیاری از روایات نقل شده در این جزوه‌ها و مقالات مستند به مدرک مشخص یا راوی خاص و مشخصی نیستند، حداقل می‌توان در صحت بسیاری از جزئیات و اصل برخی از این روایات شک کرد.

سازمان دست به یک روند اسطوره‌سازی زده و از زندان رفتن اعضایش در زمان حکومت شاهنشاهی و بزرگ‌نمایی شکنجهٔ آنها، حداکثر استفاده را در جذب جوانان به سوی خودش کرد و این نکته‌ای بود که دیگر جریان‌هایی که زندان و شکنجه دیده بودند، از آن - به این صورت ماهرانه - استفاده نکردند. در حقیقت فضایی که سازمان به آن دامن می‌زد موجب این سوءتفاهم می‌شد که گویی پیش از انقلاب، در زندان‌ها تنها در مورد وابستگان تشکیلاتی سازمان رفتار خشونت‌آمیز و شکنجه‌های ضدبشری رخ داده است. آشکارا تلاش می‌شد تا با یادآوری این وقایع هاله‌ای از احترام و تقدس در مورد سازمان در اذهان پدید آید. سازمان با این تبلیغات و تأکیدی نظیر اینکه حرف‌های ما همان دفاعیات شهدا و رگبار گلوله‌ها و انفجارهاست، مسائلی نظیر روند تکامل و ابتلا را مطرح می‌کردند و نهایتاً این استدلال خاص خود را می‌کردند که حق ویژهٔ پیشسازی و صلاحیت سازمان در گذشته اثبات شده و تداوم خواهد داشت:

چهارده سال است حرف‌هایی در دل داریم؛ گرچه آن را به زبان‌های مختلف بیان کرده‌ایم... حرف‌هایمان را در کتاب‌های ایدئولوژیک، در تحلیل‌های سیاسی، در اطلاعیه‌های سیاسی - نظامی، در رگبار گلوله‌های داغ، در صدای انفجار، در شعارهای قبل از شهادت، در دفاعیات شهدا، در فریادهای خاموش اسرا و در صدای شنیده نشدنی گریه‌های مادران شهدا و اسرا زدیم.^۱

سازمان در کنار پیشبرد اهداف تبلیغاتی خود، زمینه توده‌های مردم را برای هوادارانش بسیار مناسب و مساعد برای پذیرش و هماهنگ شدن با آنان ترسیم می‌نمود و همین امر مایه ایجاد چسبندگی بیشتر در درون سازمان و استحکام بیشتر تشکیلات محسوب می‌شد.

پیوند مردم هر روز بیشتر می‌شود؛ آخر مجاهد با قلم نوشته نشده؛ مجاهد با خون نوشته شده است. این را ما با تمام وجود درک کرده‌ایم.^۲

... قلب هر مستضعفی، قلب هر کارگر و دهقانی، قلب هر محروم و رنجیده‌ای مکان واقعی و ستاد واقعی هر مجاهد است.^۳

... استقبال مردم از مجاهدین خلق روز به روز بیشتر می‌شود؛ چراکه آنان حل معضلات اجتماعی و تحقق آرمان‌های انقلابی خود را در گرو مبارزات صادقانه مجاهدین خلق می‌بینند و خود با پیوستن به صفوف آنان در پیمودن این راه مکتبی سهم می‌شوند.^۴

سازمان در تبلیغات خود با ترسیم دو اسلام: «توحیدی مجاهدین» و «اسلام ارتجاعی»، خود را منادی توحید وانمود می‌کرد و جریان‌های اسلامی پیرو خط امام را در جبهه ارتجاع قرار می‌داد. به همین گونه، تمام گروه‌های موجود در ایران را با معیار همسویی یا اختلاف با سازمان طبقه‌بندی می‌کرد و در مجموع هیچ فرد و گروهی را بدون برچسب نمی‌گذاشت. البته این رویه به دوران فعالیت سیاسی سازمان در بعد از انقلاب اختصاص نداشت؛ پیش از انقلاب نیز در زندان‌های رژیم شاه افراد سازمان با سایر مبارزان مسلمانی که نسبت به سازمان سمپاتی و سرسپردگی نشان نمی‌دادند همین برخورد را می‌کردند و این قبیل افراد و گروه‌ها را تحت عنوان «اسلام ارتجاعی» - که به باور آنها نهایتاً با پلیس و رژیم شاه سازش خواهد کرد - طرد می‌کردند و در عوض نیروهای مختلف طیف مارکسیست‌ها را به مثابه متحدین

۱. همان: ش ۱: ص ۱.

۲. همان، ش ۲۶: ص ۵.

۳. همان، ش ۴۹: ص ۴.

۴. همان، ش ۵۳: ص ۷.

بالفعل و بالقوه خویش به حساب می‌آوردند.

درگیری‌های سیاسی و اجتماعی که سازمان تعقیب می‌کرد و یا به‌وجود می‌آورد فقط برای ضربه زدن به مخالفانش نبود، بلکه برای محروم کردن هواداران از فردیت خویش و شکل‌پذیرتر کردن آنها در مناسبات جمعی نیز مؤثر بود. حرکت سازمان در جهت برپایی اردو، راهپیمایی، کوهنوردی و... باعث می‌شد که طرفداران، خود را فراموش کنند و احساس هویت جمعی و هدفمندی به آنها دست بدهد و در کنار آن، تصفیۀ افراد ناهماهنگ و عضوگیری افراد مستعد نیز مطرح بود:

البته کسان زیادی پیدا می‌شوند که بعد از مدتی توقف در اردو مجبور به ترک آن هستند ولی عمدتاً مشکلات و مسائل مختلف من جمله وضع درسی و خانواده‌ای، آنها را به این کار وا می‌دارد، و کمتر کسانی هستند که علی‌رغم انتقاداتشان کارکردی منفی برای اردو متصور باشند.^۱

همچنین سازمان برای جذب نیرو و موجۀ جلوه دادن هرچه بیشتر خویش، متوسل به ارزش تشکیلات می‌شد. همواره لزوم وجود یک سازمان و تشکیلات مسلحانۀ پیشتاز^۲ برای تأمین هر خواسته‌ای، به اشکال گوناگون طرح می‌شد و به شکل صریح تئوریک نیز مورد تأکید قرار می‌گرفت: شاید امروز کمتر فرد آگاهی را می‌شود یافت که در مورد این مسئله تردید داشته باشد که بدون وجود یک سازمان انقلابی و بدون تشکیلات هدایت انقلابی خلق، دستیابی به فله‌های پیروزی امری غیرممکن است. ... تشکیلاتی بودن اساسی‌ترین اقدام پیوستگی به یک سازمان گسترده انقلابی است. ... فعالیت شبانه‌روزی هواداران سازمان آن‌گاه همه ما را گام‌به‌گام در مسیر دسترسی به اهداف توحیدی مان یاری خواهد کرد، که با خطوط و تاکتیک‌های سازمانی هماهنگی و همجهتی کافی داشته باشد.

... عشق و علاقه به سازمان و به اهداف آن صرفاً در تلاش هرچه بیشتر متجلی نمی‌شود، بلکه این علاقه آن‌گاه که آگاهانه در تلاشی پیگیر و در عین حال هماهنگ و همجهت و همراه با هماهنگی تشکیلاتی صورت گیرد واقعاً نمایانگر شوری انقلابی و ایمانی عمیق است.^۳

در ادامه همین مطالب، سازمان نظم تشکیلاتی و انضباط آهنین را با عنوان «انضباط انقلابی» که در

۱. همان، ش ۲: ص ۴.

۲. باید توجه داشت که ویژگی‌های «تشکیلات مسلحانۀ پیشتاز»، در ادبیات سال ۵۸ و در قبال نظام جمهوری اسلامی، با آنچه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی در قبال رژیم سلطنتی بیان می‌شد، تفاوتی نداشت.

۳. نشریۀ مجاهد، ش ۸۲: صص ۲-۴؛ از مقاله «سخنی با هواداران سازمان».

مباحث گذشته روی آن بحث شد، به عنوان یکی از عوامل جذب افراد در کانون دستورات عمل‌های تشکیلاتی قرار می‌دهد:

اگر قرار است یک تشکیلات انقلابی به مثابه یک ارگانیزم و به مثابه یک بدن واحد کار کند، نهایت آزادی خواهی انقلابی ما بایستی با نهایت انضباط انقلابی عجین باشد و به همین دلیل بود که در دوران مبارزات چریکی و اگر لازم باشد همین الآن، وقتی فرمانده می‌گفت: «بمیرا!» باید می‌مردیم ولو اینکه اشتباه می‌کرد؛ به دلیل اینکه اصلی حفاظت می‌شد که آن اصل قادر بود با دشمن بجنگد؛ آن اصل نباید می‌شکست. آن انضباط انقلابی بود.^۱

به همین ترتیب سازمان با طرح اهمیت و ضرورت «وحدت تشکیلاتی» و ارائه یک تصویر تئوریک علمی از آن، تلاش می‌نمود که انضباط آهنین را در سیستم ارزشی هواداران بگنجاند. این وحدت تشکیلاتی هم از آن نعمات و امتیازاتی است که تا از دستش ندهیم - که انشاءالله هرگز ندهیم - بهای واقعی اش شناخته نمی‌شود.

... وحدت تشکیلاتی مجاهدین که سرچشمه اش همان وحدت ایدئولوژیکی است، در انطباق دایم و افزایش این سازمان و خطوط سیاسی اش با واقعیت جامعه برقرار شده. اگر حرکت ما با این واقعیات تطابق نداشت اجباراً وحدتیمان خدشه برمی‌داشت.^۲

اگر ارگانیزم تشکیلاتی ما با محیط وحدت نداشت و تطابق نداشت، به درجه تضعیف مناسباتش با محیط، مناسبات درونی خودش هم تضعیف می‌شد و به سمت گسستگی پیش می‌رفت.^۳

سازمان در غالب اوقات تحلیل‌ها و خطامشی خود را در پوششی به ظاهر علمی و مستدل ارائه می‌کرد و سعی در القای علمی بودن خطوط تحلیلی خود داشت.

سازمان در برخورد با اعتراضات اعضا و هواداران، غالباً اعتراضات افراد را ناشی از رگه‌های ارتجاعی باقی‌مانده در شخصیت و تمایلات بورژوازی و غیرمردمی و... خود آنان می‌دانست و راه‌حل آن را نیز چنین عنوان می‌کرد که اگر این رگه‌ها را تصفیه کنید به مرحله‌ای می‌رسید که دیگر این اعتراضات و ایرادات را به سازمان نخواهید داشت. لذا تجویز کوهپیمایی، روزه و ریاضت‌های طولانی و کارِ کارگری و نظایر اینها، به عنوان برطرف‌کننده شبهات عقلی اعضا و هواداران قرار می‌گرفت.

یکی از روش‌های عمده سازمان استفاده از تمثیل است. در این روش سازمان یک وجه مشترک بین

۱. رجوی، تبیین جهان...، ج ۹: ص ۷.

۲. رجوی، جمع‌بندی یکساله...: ص ۴۱.

۳. همان: ص ۴۳.

دو پدیده می‌بیند و حکم به شباهت آن دو می‌کند. این شیوه استدلال غالباً منتج به نتیجه صحیح نخواهد شد؛ چرا که وجود یک وجه اشتراک میان دو رویداد با ابعاد گوناگون الزاماً دالّ بر همانندی آن دو نخواهد بود. با این روش، سازمان به میزان فراوانی به تغذیه اعضا و هوادارانش می‌پرداخت و با ذکر نمونه‌های تاریخی و پیوندشان با رخداد‌های روز که در بُعد کوچکی با هم شباهت داشتند، همانندی ایجاد می‌کرد. برای نمونه، در مورد طرح قانونی خلع سلاح گروه‌ها و اشخاص پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، سازمان با مشابه‌سازی زمان مشروطیت، حقانیت خود را برای مسلح باقی ماندن ادعا می‌نمود:

گرچه ظاهر امر، ایجاد امنیت و آرامش و جلوگیری از هرج و مرج، علت خلع سلاح مجاهدین و ستارخان بود، لیکن خواست استعمارگران آن روز، یعنی روس و انگلیس، در پشت پرده وجود داشت.^۱

در نوشته‌های سازمان از این قبیل استدلال‌ها بسیار است. حتی در تحلیل‌های سیاسی روز نیز سازمان از بعضی مقدمات، نتایج مطلوب خود را چنان می‌گرفت که تنها مقبول و وابستگان سیاسی تشکیلات بود.

در پاییز ۱۳۵۹، سازمان برای توجیه مسلح باقی ماندن خود به پیام امام درباره تشکیل بسیج که یک فرمان حکومتی بود و مخاطبان و مأموران اجرای آن مسئولان نظام بودند، استدلال و استناد می‌کند:

پیام امام خمینی مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی دهان یاوه‌گویان و طرفداران خلع سلاح را بست. ... چرا درست در لحظات حساسی که امام برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا دستور بسیج سیاسی و نظامی می‌دهد و مجاهدین نیز بلافاصله تمام نیروهای آماده خود را در خدمت این هدف و تحت فرماندهی عالی امام قرار می‌دهند، یک مرتبه سیل اعلامیه‌ها و رده‌ها علیه مجاهدین چاپ می‌شود؟^۲

سازمان در حالی که با ظرافت، توانایی اندیشه و تحلیل اعضا و هواداران خود را به تعطیل می‌کشانند و از آنان می‌خواست که مواضع سیاسی و روند دستورات سازمان را مو به مو به جا آورند و گرنه از سوی سازمان طرد خواهند شد، روحیه جزمی و دگماتیستی را نیز، میان آنان افزایش می‌داد.

سازمان در مراحل بحرانی حیات خود در برابر سوالات بیرون و درون تشکیلات، دست به توجیهاتی می‌زد تا نقص‌ها و کاستی‌های عملکرد تشکیلات را بپوشاند. فرضاً هنگامی که سعید متحدین - یکی از

۱. نشریه مجاهد، فوق‌العاده ش ۴ انتخابات: ص ۷.

۲. همان، ش ۱۴: صص ۶ و ۹.

اعضای باسابقه و زندان دیده پیش از انقلاب - به جرم سرقت مسلحانه از یک مغازه طلا و جواهرفروشی دستگیر شد، سازمان رفتار او را یک نقیصه مختصر کیفی قلمداد کرد که از گسترش کمی تشکیلات ناشی شده است و به این وسیله مسئله را توجیه کرد:

وقتی سرعت گسترش زیاد است... کیفیت سازمان نمی تواند همپای کمیّت آن بالا رود... و نتیجتاً امکان لغزش ها، انحرافات و رفتارهای غیراصولی افزایش می یابد.^۱

در مورد دیگر، پس از دستگیری سعادت‌بی به جرم ارتباط با وابسته اطلاعاتی سفارت شوروی و اقدام به تحویل اسناد محرمانه پرونده سرلشکر مقرّبی به روس‌ها، سازمان با تبلیغات وسیع در مورد سوابق زندان (قبل از انقلاب) و تمرکز بر اتهام شکنجه وی بعد از دستگیری، تلاش کرد تا موضوع را توجیه و افکار عمومی را از اصل موضوع منحرف سازد.

سازمان در اغلب مواقع می‌کوشید با تکیه و تأکید بر احساسات تند و آتشین، تحریک عواطف و استفاده از عبارات شعاری و عطوفت‌آمیز، و تقویت تصور مظلومانه اعضا و هواداران از خویش، «مظلومیت» را دلیل «حقانیت» خود قرار دهد و رویکرد عاطفی را بر آنان حاکم نماید. بدیهی است که در زمان انتشار این گونه مطالب کسی - بویژه عضو و هوادار - نمی‌توانست واقعی بودن یا نبودن آنها را اثبات کند اما بعدها آشکار شد که بسیاری از این مطالب ساختگی و اغراق‌آمیز بوده‌اند:

دو خواهر برای ما نامه نوشته‌اند و در آن مقداری پول برایمان فرستاده‌اند. ما فقط برای قدردانی از این همه محبت صادقانه‌شان قسمتی از نامه‌شان را در زیر می‌آوریم:

«ما که هرچه داشتیم فروختیم و این مبلغ را برای شما فرستادیم؛ همین طور که هرماه که پول ماهیانه می‌گیریم پول اتوبوس را برای شما می‌فرستیم و خودمان زود از خواب بیدار می‌شویم و با پای پیاده راه خانه تا دبیرستان را طی می‌کنیم، که این برای ما لذت بسیار دارد که ما هم قطره‌ای از آن دریای عظیم باشیم که برای تحقق اراده‌خداوند در زمین پیش می‌رود.» به گمان ما زینبده است که این نامه و امثال آن را در گزارش به خلق بیاوریم تا شاید دهان ناسزاگوی ازادلی که ما را باربابانشان عوضی گرفته‌اند و تهمت دزدی‌های چند میلیونی را به ما می‌زنند بسته شود.^۲

به دنبال کار توضیحی چند نفر از خواهران در اتوبوس، زن خدمتکاری که از سرکار برمی‌گشت

۱. همان، ش ۱۴: ص ۶. در ص ۴ همین شماره به دستگیری متحدین به هنگام درگیری مسلحانه با صاحب مغازه جواهرفروشی تصریح شده است.

۲. همان، ش ۱۵: ص ۵.

با خجالت ۵ تومان به آنها داد در حالی که قسم می خورد که بیشتر ندارد و گرنه حاضر است همه چیزش را بدهد و چه وقیح و فرومایه اند آنها که دسترنج خلق را به یغما می برند و به انقلابیون مارک دزدی می زنند.^۱

در ابتدای سال ۵۸، دادستانی با مدارک و اقراریه متهمان اثبات نمود که اختلاس بیش از ۷۰۰ میلیون ریال وجوه نقد بنیاد پهلوی سابق، فروش بیش از ۶۰ قطعه فرش متعلق به بنیاد مستضعفان به مبلغ چهار میلیون و سیصد و پنجاه هزار ریال و اختلاس ۱۴۰ میلیون ریال اوراق قرضه بنیاد پهلوی توسط اعضای سازمان صورت پذیرفته است و مسئولان سازمان، توضیحات و یا دلایل قانع کننده‌ای در برابر این اتهامات مستند و اثبات شده ارائه ندادند.^۲ در مقابل سؤالاتی که این گونه اقدامات سازمان در اذهان هواداران ایجاد می نمود، تاکتیک اصلی، تحریک عواطف و احساسی کردن فضا بود.

در جهت همین تقویت و تشدید اغراق آمیز احساسات اعضا از سوی سازمان، نشریات سازمان، سخنرانی‌های بسیار مهیج اعضای مرکزیت، اعلامیه‌های سیاسی - نظامی سازمان و آماده‌باش‌های مختلف، آموزش‌های نظامی، تظاهرات و درگیری‌های میتینگ‌ها، تشکیلات میلیشیا [= نیروی شبه نظامی] و فراخواندن به خانه‌های تیمی - همه و همه - به ایجاد جو هیجان و احساسات داغ، و نیز ایجاد انگیزه‌های قوی در درون اعضا کمک می کردند. یکی از رموز حیات سازمان و از مهمترین علل مبقیه تشکیلات، راهبردهایی بوده که آگاهانه رو به سوی هیجان داشته است. اهمیت نیروی کیمیایی هیجان در این است که فرصت تفکر و اندیشه را از هواداران و اعضا می گیرد.

در کنار تهییج‌ها و برانگیختن احساسات هواداران و اعضا، سازمان برای تقویت تصویر «مظلومیت» خود، ظاهراً «صبر انقلابی» را توصیه می کرد و به هواداران و اعضا تا مدتی در نشریات و اعلامیه‌های علنی دستور داده می شد که خود را کنترل کنند و فشارها را تحمل کنند. بدین ترتیب در اثر فشارهای تبلیغاتی و روانی تدریجاً بر پتانسیل تخریب هوادارانی که حتی به نیت دیگری جذب سازمان شده‌اند افزوده می گردید. آشکار بود که این اقدامات به صورت حساب شده و قدم به قدم در جهت خواست نهایی سازمان طراحی شده است. در مرحله نخست، سازمان دست به تهدید علنی و اظهار قدرت نمی زد، بلکه با

۱. همان، ش ۲۱: ص ۱۲.

۲. غانله چهاردهم اسفند...: ص ۸۱. اولین محل استقرار ستاد سازمان پس از پیروزی انقلاب در ساختمان بنیاد پهلوی سابق بود که همراه با کلیه اسناد و موجودی مالی و تدارکاتی آن تصرف شده بود.

دعوت به صبر، به انباشت خشم و کینه در آنان می‌پرداخت:

در مراسم روز پنجشنبه، نکته‌ای که هرگز فراموش نخواهد شد و در تاریخ قهرمانی‌ها ثبت خواهد گردید، مقاومت قهرمانانه چندین ساعته میلیشیای انتظامات... همراه با صبر و متانت انقلابی در مقابل مزدوران چماق به دست بود.^۱

آنچه ناظران را شگفت‌زده کرده بود، این بود که خواهران و برادران ما... به دلیل دستور تشکیلاتی هیچ‌گونه انعکاس خشونت‌باری از خود نشان نمی‌دادند.^۲

قابل توجه است که چه اعضا و چه هواداران منضبط سازمان ما، بر اساس دستورات و سفارشات آرامش‌طلبانه قبلی اساساً جز بردباری و تحمل واکنشی نشان ندادند و الا اگر رفتار متقابل پیشه می‌کردیم اکنون بسیاری از شهرها را آتش و خون فرا گرفته بود.^۳

سازمان پس از طی این مرحله و تأکید تحریک‌آمیز بر صبر در برابر نیروهای مخالف، که آنها را مرتجع قلمداد می‌کرد، در مرحله بعد با ارائه مصادیق مشخص به وضوح بخشیدن به «عناصر مرتجع» می‌پرداخت. در این مقطع نهادهای حکومتی به ویژه پاسداران، ائمه جمعه، مسئولین اجرایی و حزب جمهوری اسلامی در کنار افراد مرتجع قرار داده می‌شدند.

در عمل در خیلی از جاها متأسفانه باز هم شاهد هستیم که بعضی از عناصر کمیته و پاسدار چتری می‌شوند برای عملکرد مزدوران چماق به دست ارتجاع.^۴ در طول تهاجم مهاجمین عده‌ای گاه در لباس پاسدار و گاه در لباس چماق بدست ظاهر می‌شدند.^۵

این روزها مواجه هستیم - چه در تهران و چه شهرستان‌ها - با مزدوران ارتجاع، با چماق‌دارها... با شناسایی‌های سلسله‌جنبانان این چماق‌دارها که تا آنجا که ما شناختیم یک حزب بخصوص و مشخص [= حزب جمهوری اسلامی] است.^۶

آنچه در ترکیب و ترتیب این مراحل مهم است روح روانشناسانه این نوع از تبلیغات است. نکته مهم این است که سازمان به همه انتظارات و ابهام‌هایی که خود در اعضا و هواداران ایجاد کرده، به عمد، پاسخ

۱. نشریه مجاهد، ش ۵۴: ص ۲.

۲. همان - فوق‌العاده ش ۳ انتخابات: ص ۷.

۳. همان، ش ۲۵: ص ۶.

۴. همان، ش ۴۸: ص ۴.

۵. همان، ش ۴۹: ص ۲.

۶. همان، ش ۲۸: ص ۴.

نمی‌داد. در حقیقت احساسات تحریک شده اعضا و هواداران مدتی در بوتۀ انتظار می‌ماند و پخته می‌شد و در مرحله بعد هم آن چنان که باید پاسخ نمی‌گرفت. احساساتی که جواب خود را به شکل فعلیت یافته و قطعی دریافت نمی‌کرد، در درون هواداران و اعضا انباشته و متراکم می‌شد. این ذخایر همان پشتوانه‌ای است که سازمان بعداً بر اساس آن دست به ترور مسلحانه زد.

پس از آنکه سازمان پیکان تیز نفرت‌های شکل گرفته در درون هواداران و اعضا را به سمت گروه مشخصی تحت عنوان مرتجع هدف گرفت و تکلیف وابستگان خود را با آنان روشن کرد، دست به تهدیدهای آشکار زد.

چه باید کرد؟ یک عده می‌خواهند ایران را ترکیه بکنند ولی ایران که ترکیه بشو نیست؛ لبنان خواهد شد و ما بگوئیم که در یک تجربه لبنانی، نیروهای انقلابی [مجاهدین خلق] نیستند که بازنده اصلی هستند.^۱

سرانجام در پایان این فرایند حساب شده، که اعضا و هواداران را قدم‌به‌قدم در برابر حکومت قرار می‌داد، در مواضع علنی سازمان تغییر محسوس رخ داد و سازمان هرآنچه را که در چنجه داشت در تهدیدات خود ظاهر ساخت، تا جایی که رجوی تهدید به قیام مسلحانه کرد. در این مرحله سازمان ماهیتی کاملاً جنگ‌طلبانه یافته، خود را در آستانۀ شورشگری مسلحانه قرار داد. به باور آنها، این مقطع حکم «آماده‌باش» را دارد:

اما چنانچه یک چاره‌جویی مشترک ملی، دست‌های انحصارطلبان را از سیطره بر قوای مملکت و مقدّرات انقلاب و مردم کوتاه نکند... همان‌طوری که در امجدیه نیز گفتیم در پایان، دیگر به‌طور عمدۀ به راهی جز خشونت‌های تروریستی و تحمیل جنگ فراگیر داخلی [مستهی] نخواهد گردید و این چیزی است که این روزها کمتر کسی در آن تردید دارد.^۲

یکی از شگردهای سازمان، هویت بخشیدن به هواداران بود، تا جایی که آنان وادار گردند تا هرچه بیشتر خود را به دست سازمان بسپارند و راحت‌تر و سریعتر در سازمان ارتقا یابند. ایجاد عناوین در قالب «مسئولیت» برای اشتغالات کوچک هواداران، نظیر «مسئول» نصب اعلامیه و «مسئول» فروش روزنامه، از مصادیق هویت‌بخشی در چارچوب سازمان بود. این نوع مسئولیت دادن خصوصاً به دختران، از طرفی برای آنها ایجاد تشخص و هویت اجتماعی می‌کرد و از طرف دیگر به دلیل آنکه دختران را در

۱. همان، ش ۸۸؛ ص ۶؛ از سخنرانی رجوی در امجدیه.

۲. همان، ش ۱۱۴؛ ص ۳؛ از مصاحبه مسعود رجوی.

صف اول نیروهای سازمان، برای برخوردهای اجتماعی - با پوشش «مظلومیت» و نوعی «مصونیت» - قرار می‌داد، در آنها ایجاد جسارت می‌کرد و ترسشان را می‌ریخت:

این بچه‌ها [میلیشیا] مظهر مقاومت هستند. هر کارشان می‌کنند باز هم می‌ایستند و می‌گویند: «نشریه مجاهد». اگر بگویی یک ذره کوتاه می‌آیند نمی‌آیند.^۱

سازمان با تأکید زیاد روی دختران، ضمن اینکه جاذبه‌های خاص در خود ایجاد می‌کرد امکان می‌یافت که به روابط تشکیلاتی رنگ عاطفی بدهد، نظیر اینکه پسری سرپرست تشکیلاتی دختران، یا دختری سرپرست تشکیلاتی و فرمانده گروهی از پسران باشد.

تکیه بر فعالیت اجتماعی و عمل، یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان در دستورالعمل‌های تشکیلاتی برای هواداران و اعضا بود. در حقیقت هواداران و داوطلبان عضویت در سازمان تنها می‌توانستند با عمل بی‌چون و چرا (در پی تعطیلی اندیشه) شایستگی خود را برای سازمان به اثبات برسانند و صلاحیت عضویت در سازمان را به دست آورند:

تنها در میدان عمل است که فرد یا سازمان می‌تواند ضعف خویش را بشناسد و از تجربیات انقلابات گذشته پند بگیرد و با جمع‌بندی آنها، راه صحیح پیروزی را بیابد و پرورش و تکامل پیدا کند.^۲

سازمان، در مجموعه فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی خود آنچه که به عنوان هدف دنبال می‌کرد، ایجاد ذهنیت برانداز در اعضا و هواداران بود. سازمان در آغاز، استدلالی را که در اطلاعیه‌های خود برای لزوم تشکیل نیروی سازمان یافته نظامی و فراگیری آموزش‌های نظامی می‌نمود، نابودی امپریالیسم بود: امروز جبهه نبرد متحد خلق، در هر خیابان و کوی و برزن گسترده است... مبارزه ما امروز یک مبارزه تمام عیارهایی بخش و ضد امپریالیستی است.^۳

رفته رفته در مجموعه توجیهات سازمان، در کنار امپریالیسم، عناوین مبهم عوامل توطئه‌گر، انحصارطلب، مرتجع و چماق‌دار نیز قرار گرفت و با نسبت دادن آنها به نهادها و مسئولان نظام جمهوری اسلامی، بدین ترتیب، نفرت نسبت به حکومت را در اعضا و هواداران شکل داد و آنان را به سمت ایجاد ذهنیت ستیزه‌جو و برانداز راه می‌برد:

۱. همان، ش ۱۱۶: ص ۲۰.

۲. نشریه پیام خلق، ش ۵: ص ۲.

۳. نشریه مجاهد، ش ۳۸: ص ۱.

سعی ما برای کنترل هواداران محدود است و ممکن است به جایی برسیم که دیگر قدرت کنترل نداشته باشیم.^۱
حالا شما صرفاً باید تحمل کنی، ما باید صرفاً تحمل کنیم ولی سرانجام یک جایی خواهد رسید، این مشتها به یک حدی می رسد تبدیل به چیزی دیگر می شود و برمی گردد به خودشان.^۲

□ ابعاد فعالیت های تبلیغی

بر مبنای اظهارات مستند گروهی از هواداران و فعالان سابق، فعالیت های تبلیغی سازمان را می شود در دو دسته توضیح داد. یکی حرکتهایی که در یک محدوده زمانی خاص مطرح بوده اند؛ و دیگری حرکتهایی که در طول موجودیت سازمان در رابطه با موضوع های مختلف مطرح بوده اند و در رابطه با آنها نیز شکل خاص خود را می گرفتند.

○ طرح و تثبیت سازمان

فعالیت های دسته اول، در سال اول پیروزی انقلاب مورد توجه سازمان بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان برای تثبیت خود و جذب نیرو از افشاری که مناسب می دانست، به طور عمده در دانشگاه ها و مدارس و بعضاً در مراکز کارمندی، به عنوان نیروهای هوادار سازمان، حداقل یک دفتر یا کتابخانه و یا یک میز و تابلوی اعلانات تحت نام مجاهدین خلق راه اندازی کرد. انرژی زیادی از این طریق برای ارائه کتب و اعلامیه های سازمان صرف می شد. نقطه نظرات سازمان در کنار پخش اعلامیه ها، پوسترها، جزوات و نشریه ها به صورت «اوزالید» و نوشتن روی مقوا و نصب به دیوارهای مراکز فوق الذکر، ارائه می شد. این انجمن ها می بایست به شکلی فعال درباره وقایع این مراکز موضع گیری کرده، حضور خویش را می نمایانند. فعالیت ها، موضع گیری ها و برخورد آنها با سایر گروه ها، همگی از بالا، توسط سازمان اداره و کنترل می شد. این روند در دانشگاه ها، مدارس، ادارات، کارخانه ها، بیمارستان ها و ... تا زمانی که امید موفقیتی برای آن بود، ادامه داشته است.

۱. همان - فوق العاده ش ۳ انتخابات: ص ۷.

۲. همان، ش ۲۸: ص ۱؛ نقل از مسعود رجوی.

۱- انتخابات

در طول دوران فعالیت سیاسی - تبلیغاتی سازمان سه مرحله انتخاباتی حساس وجود داشت: مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی؛ در این سه انتخابات، تمام نیروهای سازمان جهت تبلیغات و جا انداختن کاندیداهای مورد حمایت سازمان در شهرها و روستاهای کشور بسیج شدند و امکانات خود را وقف این مسئله نمودند. این فعالیت‌ها به اشکال زیر اجرا می‌شد:

۱-۱ پلاکارد

در این شیوه تبلیغی به خاطر حضور تعداد کم اما مستمر نیروی انسانی، بازده کار بالا بود و نظر مردم را به خود جلب می‌کرد. بدین ترتیب که متناسب با شرایط کلی منطقه خاصی که پلاکارد به آنجا فرستاده می‌شد، خط خاصی برای شعار، تعیین می‌گردید. در برخی از نقاط، افراد صرفاً پلاکارد را حمل می‌کردند، ولی در برخی نقاط تیم‌هایی همراه پلاکارد اعزام می‌شدند که مسئولیت راه انداختن و کنترل کردن بحث حول و حوش آن پلاکارد در منطقه موردنظر را بر عهده داشته‌اند. در برخی موارد تیم‌های حفاظتی، به طور نامحسوس و بدون ارتباط ظاهری با حاملین پلاکارد، اعزام می‌شدند. برخی اوقات برای جلب توجه مردم شیوه‌های پرسر و صدا به کار گرفته می‌شد. به عنوان مثال در دوران انتخابات ریاست جمهوری، یکباره چندین موتور سوار در حالی که هر کدام عکس بزرگ کاندیدای سازمان را در دست داشتند، در مناطقی از شهر به راه می‌افتادند.

۱-۲ پخش و نصب تراکت و پوستر

روی این شیوه انرژی کمی گسترده‌ای گذاشته می‌شد. تراکت‌های کوچک با روش‌های مختلف یا به دست عابری‌ن در خیابان‌ها و یا به مغازه‌داران داده می‌شد و در مواردی هم آنها را به داخل منازل می‌انداختند. عکس و پوسترهای بزرگی هم بر دیوارهای شهر نصب می‌شد.

۱-۳ دکه و نمایشگاه

یک یا چند تیم به نقطه‌ای مناسب اعزام می‌شدند و در آنجا دکه یا میزی برپا می‌کردند و نوشته و پوسترهایی نصب می‌نمودند و گاهی نیز توسط نوار ضبط صوت مطالبی را پخش می‌کردند.

طبق تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها، جمعی از افراد، بحث‌ها و جدل‌ها و امور تبلیغی را اداره می‌کردند و برخی نیز نقش حفاظت را بر عهده می‌گرفتند. این شیوه نسبت به پخش تراکت و پوستر موفقیت بیشتری داشت؛ چون با جوسازی روی برخورد مخالفان توجه تعداد بیشتری از عابریان و مردم را به خود جلب، و با

مظلوم‌نمایی و ایجاد درگیری‌های برنامه‌ریزی شده، ناظران را تحریک می‌نمودند. برای اعمال این شیوه، نیروی انسانی بسیاری به کار گرفته می‌شد. این عمل افزون بر آنکه تأثیر تبلیغاتی زیادی داشت، موجب تقویت پیوندهای تشکیلاتی هواداران نیز می‌گردید.

۴-۱. نمایشنامه

چند نفر در مورد موضوعی مرتبط با مواضع سازمان نمایشنامه ساده‌ای را تنظیم می‌کردند و در نقاط خاصی از شهر آن را به اجرا در می‌آوردند. این نمایش‌ها از میان رهگذران تعدادی تماشاچی به دور خود جمع می‌نمود و به شکل ساده و صریح و با حداقل امکانات در زمان کوتاهی پیام خود را منتقل می‌کرد. خط کلی این نمایش‌ها اکثراً مسخره کردن جریان سیاسی پیرو خط امام و حملات تند علیه آن بود. در این شیوه از مضامین مختلف، از جمله ادعای تقلب و دستکاری در انتخابات و دیگر دستاویزها برای حمله به روحانیت و پاسداران و مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات استفاده می‌شد. این شکل کار بازده خوبی، از نظر سازمان، داشته است.

۲-دکه‌ها، انجمن‌های وابسته و فروش نشریات

در کنار دفاتر و مقرهای رسمی سازمان که با آشکار شدن تدریجی مواضع براندازانه آن دچار محدودیت‌ها و مشکلاتی در میان مردم می‌شدند، سازمان برای توسعه و تداوم فعالیت‌های خود از طریق تماس بیشتر با هواداران، طرح تأسیس دکه‌ها را در حداکثر نقاطی که امکان داشت، داد. در این دکه‌ها کتب، اقلام تبلیغی و اعلامیه‌ها و موضعگیری‌های روز سازمان توزیع می‌شد. این دکه‌ها که حتی المقدور به لحاظ خطی و امکانی رابط سازمان بودند، به تدریج گسترده‌تر شدند تا جایی که مثلاً دکه جلوی دانشگاه تهران در حد مقرّ میتینگ مستمر سازمان، خود را نمایند. بخش تبلیغات انجمن‌های وابسته به سازمان و خط انجمن‌های وابسته علنی که بعد از تعطیلی برخی ستادها، مرکز اصلی تجمع نیروهای تشکیلاتی بودند هم، در همین خصوص کاملاً فعال بودند که از میان آنها می‌توان انجمن کارکنان، دفتر جنبش کارگران مسلمان، انجمن دانشجویان و دانش‌آموزان، انجمن مادران مسلمان و انجمن‌های محلات - نظیر انجمن میثاق و ۴ خرداد و ... در محلات غرب و شرق و جنوب تهران را برشمرد.

بعد از شروع به کار دوباره نشریه «مجاهد»^۱ در پاییز سال ۱۳۵۹، کار اصلی انجمن‌ها رساندن این

۱. نخستین شماره نشریه مجاهد، در اول مردادماه ۱۳۵۸ به صورت هفته‌نامه منتشر شد که پس از انتشار ۵ شماره سازمان نشر آن را متوقف کرد و دو ماه بعد، روز ۲۳ مهرماه همان سال مجدداً چاپ و نشر آن را پی گرفت. این

نشریه به دست هواداران شده بود. به خصوص پس از غیرقانونی شدن آن، علاوه بر دکه‌های سازمان که مراکز اصلی توزیع نشریه بود، تیم‌های خاصی نیز جهت تولید و توزیع نشریه فعال شده بودند. هر انجمن مرکز تکثیر خاص خود را داشت و تیم‌هایی نیز کار لایه زدن، حمل و نقل و فروش آنها را بر عهده داشته‌اند. تیم‌های توزیع چون در معرض مخالفت مردم و دستگیری از طرف نهادهای انقلابی بودند، پوشش حفاظتی متشکل از تیم‌های دیگر را نیز دارا بودند. این تیم‌های حفاظتی وظیفه جوسازی و در صورت لزوم ایجاد درگیری جهت فرار تیم فروش نشریه را بر عهده داشتند.

روی این کار انرژی گسترده‌ای گذاشته شده بود و بین انجمن‌های مختلف، رقابت برای بالا بردن میزان عرضه نشریه سازمان ایجاد می‌شد.

○ بسترها و انگیزه‌های متغیر

دسته دوم فعالیت‌های تبلیغاتی، آنهایی بودند که در طول حرکت چند ساله سازمان، با انگیزه‌های متفاوت و متغیر ولی به شکل مستمر مطرح بودند.

۱- شعارنویسی

شعارنویسی همواره در طول حیات سازمان ادامه داشت. می‌توان گفت که این فعالیت بر سه محور انجام می‌شد:

- طرح موجودیت سازمان در جامعه.

- جنگ روانی برای تضعیف حاکمیت.

- تبلیغ خطوط خاص و بهره‌گیری از مشکلات و بحران‌ها.

شعارنویسی‌ها که در بسیاری از اوقات با توهین‌ها و فحاشی‌های گوناگون علیه رهبران نظام همراه بود، به عنوان رسانه انتشار شایعات نیز عمل می‌کرد و عمدتاً برای تقویت روحیه هواداران و مشابه‌سازی نظام با حکومت پیش از انقلاب به کار می‌رفت. در مواردی، این شعارنویسی‌ها افزون بر آنکه مستقیماً مقدمات ملی و مذهبی مردم را هدف قرار می‌داد، موجب واکنش منفی مردم و نهایتاً خودافشاگری «سازمان» نیز می‌شد.

۲- میتینگ و مراسم

این فعالیت‌ها در فاز سیاسی سازمان و به مناسبت‌های مختلف وجود داشت. سازمان برخی اوقات سعی می‌کرد این‌گونه مراسم را با اجازه رسمی از وزارت کشور ترتیب دهد. به عنوان مثال می‌توان از میتینگ امجدیه نام برد که آخرین میتینگ رسمی سازمان بود و درگیری‌های گسترده‌ای در پی آن، پدید آمد. یکی از اهداف اصلی سازمان در برگزاری مراسم مختلف، تبلیغ قدرت سیاسی و اجتماعی خود در مناسبت‌هایی از قبیل انتخابات، ۱۴ اسفند، روز کارگر و... بود. سازمان می‌خواست با این میتینگ‌ها از سویی نشان دهد که به عنوان یک تشکل پذیرفته شده در نظام رسمی سیاسی کشور، تا حدی طرفدار دارد (جدای از کیفیت آن) و از سوی دیگر موجب تقویت روحی هواداران خود شود.

۳- تظاهرات و رژه

این موارد که بعضاً بدون اجازه رسمی صورت می‌گرفت با هدف قدرت‌نمایی و روحیه دادن به نیروها بود. تظاهرات هواداران در حمایت از سعادت، تظاهرات ۷ اردیبهشت ۶۰، رژه نیروهای میلیشیا و... از این دست بوده‌اند. رژه‌های میلیشیایی با لباس نظامی و انتظامات مسلح که در سال ۵۹ دوبار انجام شد (یکی از دانشگاه به سمت جاسوسخانه آمریکا و دیگری از میدان امام به سمت دانشگاه) با نتایجی که سازمان از آنها انتظار داشت می‌توان گفت که در زمان خود موفق بودند؛ زیرا هم سازمان را نسبت به دیگر گروه‌های مخالف نظام قدرتمندتر جلوه می‌دادند و هم برای نیروهای تشکیلاتی و هوادار بسیار انگیزه‌ساز بودند.

۴- افشاگری

سازمان برای آماده‌سازی ذهنی و روحی هواداران در جهت مقابله با نظام، دست به کارهایی می‌زد که آن را افشاگری می‌نامید. یک نوع از این اقدامات، سندسازی درباره نهاد‌های انقلابی و یا نهادهای دولتی، مبنی بر وجود سوءاستفاده یا برنامه‌ریزی برای اقدامات غیرقانونی علیه سازمان، بود که به بهانه‌های مختلف در نشریات و اطلاعیه‌های سازمان انتشار می‌یافت. نوع دیگر که بخش عمده تبلیغات تحریک‌آمیز سازمان را تشکیل می‌داد و افشاگری علیه ارتجاع نامیده می‌شد برای ایجاد و تقویت احساسات تنفرآمیز و کینه‌ورزانه نسبت به پاسداران انقلاب و سیستم قضایی صورت می‌گرفت. بدین ترتیب که در درگیری‌ها و زد و خوردهای خیابانی برنامه‌ریزی شده توسط خود سازمان، هواداران را مظلوم وانمود کرده، به تبلیغ این مظلومیت در جامعه می‌پرداخت. تحصن مادران و دختران دانشجو از

این دست بود که با تفصیل در نشریه یا اطلاعیه‌ای آن را منعکس می‌کرد. اگر هواداری در هر رابطه‌ای دستگیر و یا در درگیری‌ها زخمی می‌شد، می‌بایست از این حادثه مدرک جور می‌کرد و همراه با گزارش تحویل سازمان می‌داد. عکس گرفتن از صحنه و یا بدن کتک‌خورده، اعلام جرم و تأیید پزشکی قانونی، جمع کردن امضای شهود واقعی یا ساختگی و گرفتن کپی از هر نوشته‌ای که نشانگر تناقض یا رفتار غیرقانونی ادعایی در یک نهاد دولتی بود از مواردی است که بر روی آن سرمایه‌گذاری تبلیغی وسیع می‌شد. با سابقه و تجاربی که سازمان در جعلیات داشت، در این زمینه اسناد و مدارک جعلی یا دستکاری شده^۱ زیادی در تبلیغات سازمان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۵- اخلال در سخنرانی مسئولان

بارزترین مورد این حرکت در ماه رمضان ۱۳۵۹ بود که به صورت حرکتی گسترده اجرا شد. هدف از این کار، قدرت‌نمایی و نشان دادن حضور سازمان در کنار مظلوم‌نمایی حاصل از درگیری‌ها بود. در این شیوه، ابتکار عمل متناسب با ماجراجویی و خطرپذیری هر کس به عهده خود افراد گذاشته می‌شد. بدیهی است که به علت اندکی افراد هوادار سازمان در این گونه مراسم و سخنرانی‌ها، با شروع حرکات تحریک‌آمیز و اخلال‌گرانه، درگیری‌هایی میان اکثریت مردم و آنان ایجاد می‌شد و به این ترتیب، مواردی از سوژه‌های لازم برای نمایش زخمی‌های ناشی از حملات ارتجاع! را برای خود فراهم می‌کردند.

۶- کارهای متفرقه

برخی حرکت‌های دیگر در قالب فعالیت‌های اجتماعی با اهداف تبلیغی نیز صورت می‌گرفت که از این قبیل می‌توان تشکیل اردوهای عمران روستایی و امداد پزشکی و حتی اعزام چند گروه کوچک به برخی مناطق جنگی و شرکت نمایشی در پاکسازی مناطق محروم شهرهای بزرگ را نام برد.^۱ علاوه بر اظهارات و نقل قول‌های فعالان سابق سازمان در مورد این قبیل اعمال سازمان، مروری بر دوره نشریه مجاهد طی سال‌های ۵۸ تا ۶۰ نمونه‌ها و مصادیق عینی فراوانی را به طور مستند نشان می‌دهد. همچنین سایر مطبوعات منتشره در دوره زمانی مزبور، اعم از روزنامه‌های مخالف یا همسو با سازمان، در قالب گزارش‌های خبری یا مقالات خود به این موارد و مصادیق گوناگون آنها از زوایای مختلف

۱. یعقوبی، جمع‌بندی دو ساله... اظهارات اغلب فعالان «فاز سیاسی». شرح و تحلیل مجموعه...، ج ۳: ذیل عنوان «تبلیغات». تاریخچه و بررسی...، ج ۲: صص ۴۲-۶۸؛ با تلخیص.

پرداخته‌اند.

□ سیر مطالعاتی در فاز سیاسی

سیر مطالعاتی هواداران و اعضای جدید، در روند آموزش سازمان، چهار مرحله داشت: مطالعات ایدئولوژیک، مطالعات سیاسی - اجتماعی، مطالعات تشکیلاتی، مطالعات سازمانی. جز در مواقعی که مطالعات یکی از مراحل در اولویت قرار می‌گرفت، این مراحل اغلب در عرض و به موازات یکدیگر دنبال می‌شدند.

منابع مورد استفاده، به‌طور عمده، کتاب‌ها و جزوات انتشار یافته توسط سازمان و یا جزوات داخلی بودند و، به تناسب موضوع، گاهی از منابع دیگر نیز استفاده می‌شد. در زیر، ضمن اشاره کوتاه به مراحل چهارگانه یادشده، منابع هر کدام نیز ذکر می‌شود:

○ مطالعات ایدئولوژیک

۱- آموزش چگونگی استنباط از قرآن تحت عنوان «آموزش قرآنی». منبع این موضوع دو جلد دینامیزم قرآن یا چگونه قرآن بیاموزیم نام داشت. نام این منبع، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مقدمه مطالعات مارکسیستی بوده است.^۱

۲- مباحث جهان‌بینی مارکسیستی با ظاهر استنادات مذهبی. منبع این بخش، جزوه‌ها یا نوارهای تبیین جهان - حاصل سخنرانی‌های آموزشی مسعود رجوی - بود.

به دلیل آشکار شدن وجوه التقاطی جزوات شناخت، راه انبیا - راه بشر و تکامل، پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان تصمیم گرفت هم برای جلوگیری از تأثیر انتقادات ایدئولوژیک و هم برای چهره‌سازی از رجوی به عنوان ایدئولوگ، مباحث آن جزوات در قالب پیچیده‌تری، در تبیین جهان فراهم آید.

۳- آموزش گزینشی بعضی از خطبه‌های نهج‌البلاغه و سوره‌های قرآن، همراه با تأویل‌ها و تطبیق‌های ایدئولوژیک مطلوب سازمان، و بحث شعائر یا عناوین مذهبی، از جمله انتظار و غیبت، عاشورا، عید قربان

۱. برای آگاهی درباره منابع ذکر شده ← جلد نخست کتاب حاضر، گفتار سوم، فصل دوم.

و مانند آن. در این بخش، از سخنرانی‌های موسی خیابانی و مهدی ابریشمچی - که به صورت جزواتی چاپ و منتشر شده بودند - استفاده می‌شد.

○ مطالعات سیاسی - اجتماعی

در این مرحله، علاوه بر کتاب‌ها و جزوات منتشر شده توسط سازمان، مطالعه مطبوعات خاص (البته با هدایت و خطگیری از مسئولان تشکیلاتی) در اولویت کار مطالعاتی قرار داشته است. بعضی از متن‌های آموزشی سازمان عبارت بودند از:

۱- رهنمودهای شیوه تحلیل مسائل سیاسی ۲- رهنمودهایی درباره کار تعلیماتی ۳- پراگماتیسم ۴- درباره خلع سلاح ۵- مهم‌ترین تحولات سیاسی از خرداد ۵۷ تا نخست‌وزیری بختیار ۶- مسئله موجودیت ۷- آموزش اسلحه و کارکرد آن.

متناسب با شرایط و در ارتباط با مواضع سازمان، آثاری از دیگر حرکت‌های چپ‌گرایانه جهان نیز در دستور کار مطالعاتی قرار داشت. برخی از این آثار عبارت بودند از: سیر تکاملی اجتماعی (مؤلفین روسی - در تبیین ماتریالیسم تاریخی)، تاریخ سی ساله (بیژن جزنی)، زردهای سرخ (درباره انقلاب چین)، جنگ شکر در کوبا (ژان پل سارتر)، انقلاب الجزایر (فرانتس فانون)، جنگ خلق - ارتش خلق (ژنرال جی‌آپ - از انتشارات چریک‌های فدایی خلق)، تجربیات انقلاب فلسطین.

○ مطالعات تشکیلاتی

در زمینه مسائل تشکیلاتی علاوه بر مباحث مختلفی که در نشریه و یا در خلال مباحث سایر کتب سازمان ارائه می‌شد، چند جزوه مستقیماً به این موضوع اختصاص داشت که از جمله عبارت بودند از:

۱- تشکیلات؛ جزوه تدوین شده در سازمان، ویژه رده‌های پایین. ۲- بررسی امکان انحراف مرکزیت دموکراتیک یا تفاوت شک علمی و غیرعلمی در تشکیلات. ۳- جناح‌بندی و صف‌بندی درون تشکیلات.

همچنین چند کتاب کمکی و حاشیه‌ای، عموماً از منابع مارکسیستی، نیز در این موضوع به هواداران و اعضا معرفی می‌شد: لیبرالیزم (مائو - مورد مطالعه تمامی رده‌های تشکیلات)، انسان کامل (لیوشائوچی - مورد مطالعه تمامی رده‌های تشکیلات)، حل تضاد بین کار مخفی [و کار] علنی (متنی مارکسیستی -

مورد مطالعه تمامی رده‌های تشکیلات)، کتاب‌های ماکارنکو - مربی روسی - از جمله داستان پداگوژیکی یا حماسه پرورشی (به عنوان تجربیاتی از نحوه برخورد عنصر آوانگارد با توده مردم، مورد مطالعه سطوح مختلف).

○ مطالعات سازمانی

این مرحله از مطالعات دارای دو بخش بوده که حول تاریخچه و مواضع سازمان دور می‌زده است. الف) تاریخچه سازمان؛ شامل: شرح تأسیس و تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران ۴۴ - ۱۳۵۰، تاریخچه سازمان ۵۰-۱۳۵۲ (جزوه داخلی)، تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیست‌های چپ‌نما، جریان‌ات داخل زندان (جزوه داخلی) و کتاب‌های متعدد در مورد زندگینامه اعضای اولیه و کادرهای پیش از انقلاب.

ب) مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان؛ شامل: آموزش و تشریح اطلاعیه تبیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر جریان اپورتونیستی چپ‌نما، موضع‌گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق در آستانه پیروزی انقلاب، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان (۳ جلد)، رهنمودهایی درباره کار ایدئولوژیک، چپ و راست و هویت ما (جزوه داخلی).^۱ همچنین کتاب‌ها و جزواتی از طرف سازمان در مورد مقاطع تاریخی و یا وقایع خاص مانند پانزده خرداد، جنبش مردم تبریز، روز جهانی کارگر، زمامداری کارتر و... که متناسب با شرایط زمانی، مواضع سازمان را بازتاب می‌داد نیز منتشر شده بودند که در حیطه مطالعات آموزش سازمان می‌گنجیدند. سازمان که در مراحل اولیه پس از پیروزی انقلاب خود را معتقد به امام معرفی می‌کرد حتی کتابی را با عنوان چهار پیام تاریخی امام، که دربردارنده دو سخنرانی و دو پیام امام خمینی در سال ۱۳۵۸ بود، به چاپ رساند که در کنار کتاب‌هایی که متن برخی سخنرانی‌های آیه‌الله طالقانی بود، در زمره متون سازمانی محسوب می‌شدند. البته از سال ۵۹ به بعد، این آثار به سرعت از مجموعه متون آموزشی حذف گردیدند.

۱. تاریخچه و بررسی...، ج ۲: صص ۱۲۶ - ۱۲۸؛ با تلخیص و اندکی تصرف.